

تلخند انتخابات یازدهم؛ پرده اول، کاندیداتوری!!!

در آستانه انتخابات ریاست جمهوری تنور بحث های سیاسی بدجوری داغ شده. از بقال سر کوچه تا میزا جعفر سبزی فروش همه دارن تحلیل چرخ می کنند. مادر می گفت: توی سفره نذری از خانم ها شنیده که پر و پاگاندای انتخابات ریاست جمهوری یازدهم نباید به سمت بروکراسی غربی پیش بره و هرچه زودتر باید زمینه های اضمحلال کاندیداهای وابسته به کلونی های قدرت و ثروت فراهم بشه؛ گفتم: نه! پروپاگندا دیگه چیه؟ گفت: هر چی هست مدل غربیش خیلی خرج داره. عمه عصمت گفته: لگه اینجور باشه مجبورن به لیست جداگانه برا انتخابات معرفی کنند و هیچ جوری زیر بار وحدت و لیست مشترک نمی رن؛ خلاصه از برکات این انتخابات، ما در زمینه تحلیلگر سیاسی، خصوصاً تحلیلگر مسائل انتخابات داریم به خود کفایی می رسیم و عن قریبه که از زیر بار دروغ دلنگای بی بی سی نجات پیدا کنیم.

امّا من موندم از کجاش براتون تحلیل بگم؟ اینقدر دریایی از تحلیل های خفن و هیشگی نفهم در این سینه ام شلپ شلپ می کنه نمی دونم از کجاش براتون بنویسم. خدا رحمتش کنه شیخ اجل سعدی رو، یه بیت شعر زیبایی در این مورد - انتخابات ریاست جمهوری یازدهم- نگفته که محض عبرت و تذکر براتون بنویسم و الا حرص خیالم و رودکی رو با ذکر این بیت زیبا از سعدی در می آوردم. خب از بحث دور نشیم داشتیم فضای فعلی انتخابات رو تشریح می کردیم این روزها مسئولین سه دسته اند : 1- اونهایی که برای ریاست جمهوری یازدهم کاندید نشدن 2- اونهایی که هنوز وقت نشده کاندیداتوریشون رو بگن 3- اونهایی که کاندید شدند. اگر کمی دقت کنید الان به صورت بالقوه دو سوم مسئولین کاندید ریاست جمهوری هستند این یعنی چی؟ یعنی:

1- یک سوم بقیه جرأت ندارن کاندید بشن، یعنی دل و جیگر مبارزه رو ندارند، مبارزه با کی؟ با انحراف؟ با فتنه؟ با خونشوند؟ توی حیاط؟ اتلاق تمساح ها؟ رئیس جمهور قبلی؟ رئیس جمهور بعدی؟ رئیس جمهور خیلی قبلی؟!! بچه هاش؟ زنش؟!!!

2- اگر مسئولین ما علاوه بر مدیریت حضرت نوح (ع) از سن ایشان هم بهره مند بودند ما تا نهصد سال آینده، توی بحث تصدی ریاست جمهوری، هیچ کمبودی نداشتیم پس خواهشاً آن دسته از مسئولین که شجره نامه شان به حضرت نوح (ع) یا پسر ناخلف ایشان منتهی می شود و از ژن دیر مرگی برخوردارند صبر کنند دیرتر کاندید بشن؛ ضمناً مسئولین محترم برای اطلاع از این شجره نامه ها به روابط عمومی کشف الاسرار در جریان منحرفی که به حول و قوه الهی راستش می کنیم، مراجعه نمایند.

3- به نظر ما، مقصّر اصلی حجم عظیم کاندیدها، خبرنگاران محترم اند. مسئول عزیز ما از شدت عمل به تکلیف، همایش بررسی علل انقراض گراز چینی در ایران رو با بودجه بیت المال برگزار کرده، اونوقت خبرنگارها وادارش می کنند وقت همایش رو صرف موضوع انتخابات کنه، اینقدر هم تا آخر همایش بهش فشار میارن تا این بنده خدا نه تنها کاندیداتوری خودش رو اعلام کنه بلکه شایعه کاندیداتوری گراز چینی در انتخابات رو هم رد کنه.

اُمّا دوستان چرا ما همیشه نیمه خالی لیوان رو نگاه می کنیم؟ این سیل خودجوش کاندیداتوری ها می تونه برکات زیادی داشته باشه:

1- از روز فردای ثبت نام می تو نیم هر روز، صبح ، ظهر و شب به جای دیدن دوباره ی فیلم های سینمایی انقلابی کشورمان، اعم از جان سخت یک تا پنج، مردعنکبوتی یک تا 10، داستان های آنی در سرزمین عجایب یک تا بیست، شاهد یک مناظره جالب و پرمغز باشیم و یک مروری کلی بر روی پرونده تمام آقازاده ها اعم از لو رفته و نرفته داشته باشیم.

2- اگر تمام واجدین شرایط در انتخابات شرکت کنند به هر کاندید نهایتا یک میلیون رأی خواهد رسید و طبیعتاً وقت بسیار گرانمایه جریان اصلاح طلبی بر سر بحث هایی مثل تقلب و فتنه های طاعت فراسا و پر مشقت بعدی تلف نخواهد شد. چقدر این جریان عزیز، وقت نخبگان خیابانی خودش را صرف آتش زدن اتوبوس های فرسوده پایتخت نمود تا از حقوق شهروندی دفاع کند و مردم تهران سوار اتوبوس های نو تری بشوند؟ چقدر پی پی سی مستند های بوسنی و هرزگوین را برای نمایش آنی و آنالین اغتشاشات در ایران اجاره کرد؟ آیا خدا می پسندد که رسانه ای را وَلُّو بی دین، سرکاربگذاریم؟ آیا درست است که شرایطی را فراهم کنیم تا یک خانم فراری که لباس هایش را روی رخت آویز خانه فراموش کرده جلوی کاخ سفید از یک روحانی و یک وزیر دوران جنگ ما حمایت کند و به نشانه این حمایت، در نهایت بی شرمی، کمری هم بجناند؟ این انقلابیون با چه رویی پس از این میان مردم حضور یابند؟ آبروی از دست رفته شان را از چه کسی پس بگیرند؟

3- ضمناً این تعداد بسیار زیاد کاندیداها می تونه وحدت مسئولین ما رو بعد از یکشنبه سیاه در مجلس توی دهن بدخواهان بزنه! شما فکر کنید یهویی صد نفر از مسئولینی که کاندید شدند به نفع یکی از مسئولین فداکاری می کنند و به وزارت و پست های کوچیکتر توی ریاست جمهوری یکی دیگه قانع میشن.

4- از همه مهم تر ثابت می کنیم که ما می تو نیم به عدد مسئولین قطب داشته باشیم نه به عدد ایده ها و افکار

خلاصه این لیست ته باز یا به عبارت دیگه بی تو کاندیداتوری برکات زیادی می تونه داشته باشه که اگر ملاحظه مناقشات کره و حسادت حسودان نبود بقیه اش رو هم می نوشتم .